

**Bijan Ahmadi**

January 7 at 6:13pm · Toronto

شهرام جان، از روز اولی که با همکاری دوستان کارزار من هم یک ایرانی کاندابی هستم را راه انداختیم از مشورت‌های شما به عنوان یک فرد مطلع و آگاه استفاده کرده‌ام اما با احترام فراوان تحلیل شما در این نوشته از ۷ ماه گذشته کنگره من را متعجب و تا حدودی نا امید کرد.

نخست اینکه اگر طبق تیترا این نوشته قصد گزارش فعالیت‌های ۷ ماه گذشته را داشتید ای کاش از فعالین هر کمیته درخواست میکردید که لیستی از اقدامات خود همراه با نام داوطلبین را برای شما ارسال کنند. نوشته شما تنها به برخی از این فعالیت‌ها اشاره کرده و آن را نمی‌توان "کارنامه ۷ ماهه" فعالیت‌های کنگره نامید. شما به عنوان سرپرست زیر کمیته اساس نامه تنها واقف بر جریانات آن زیر کمیته هستید و سایر فعالیت‌ها را تنها از طریق صفحه فیسبوک و وبسایت دنبال می‌کنید. شما تنها فعالین گروه اساس نامه را می‌شناسید و من جایی نامی از سایر دوستانی که زحمت کشیده اند ندیدم. به عنوان مثال داوطلبین گروه فرهنگی یا ارتباطات یا سوده قاسمی که زحمت پیگیری مشکلات کارگری و ماجرای مریم رشیدی را بر عهده داشت و غیره. راستش را بخواهید با تاکید خود تنها بر فعالیت‌های رئیس هیات مدیره و گروه اساس نامه من تیترا "کارنامه هفت ماهه گروه اساس نامه و رئیس هیات مدیره کنگره" را بیشتر برای این نوشته مناسب می‌دانم.

دوم اینکه استفاده از لغت "بولیگری" برای افرادی که منتقد فعالیت‌های کنگره هستند به نظر من کار درستی نیست به خصوص از طرف من و شما و سایر دوستانی که مسئولیت رسمی در کنگره دارند. شما از شیوه انتقاد این افراد خرسند نیستید. به عنوان مثال من هم با شکل انتقاد آقای شمس موافق نیستم، اما در صحبت ایشان توهین و تهمت وجود ندارد و تا به حال ندیدم ایشان کسی را با بولیگری مجبور به انجام کاری بکنند. همچنین نمیتوانم فراموش کنم که مهدی شمس و برخی دیگر از منتقدین امروز چقدر برای پیشرفت کنگره سال گذشته و حتی همین امسال زحمت کشیده اند. ربط دادن عدم تمایل سه عضو کنونی هیات مدیره کنگره به حضور دوباره در هیات مدیره سال آینده به دلیل انتقاد به قول شما "بولیگران" نیز برای من عجیب بود و خبری تازه. فکر می‌کنم باید یکی از جلسات گفت و گوی کنگره در رابطه با بحث بولیگری باشد و تعریف آن توسط کارشناسان مربوطه.

نکته آخر هم تحلیل شما در رابطه با مسئله سفارت است و تعریف آن به عنوان موضوع اصلی که ریشه تفاوت عقاید در کنگره است. با احترام با این تحلیل شما بسیار مخالفم. به نظر من اختلاف اساسی تر هم در بین اعضا کنگره و هم هیات مدیره نقش و وظایف اصلی کنگره ایرانیان کانا، شناسایی و تبیین اهداف کوتاه مدت و بلند مدت و تعریف اولویت بندی منافع و مشکلات کامیونیتی ست. این اختلافات سبب شده کنگره نتواند در بحث سفارت یا کنسولگری (و در رابطه با مسائل دیگر مانند تحریم ها، قوانین مهاجرتی، مشکلات کارپایی برای متخصصین مهاجر ایرانی، و غیره) در هفت ماه گذشته اقدامی کند.

لینک نوشته شهرام را در پایین پست کرده ام. امیدوارم بتوانیم با تبادل نظر در رابطه با این تحلیل و موضوعات مطرح شده با نظرات یکدیگر بیشتر آشنا شویم.



## کارنامه هفت ماهه/ شهرام تابع محمدی | shahrvand

کارنامه هفت ماهه هیئت مدیره بیم و امید را با هم دارد. یک سو جمعی از کارهای انجام...

SHAHRVAND.COM|BY SHAHRVAND

Like Comment Share

Delshad Emami, Hamid Mogadam, Tavaz Fakhri and 16 others like this.

Comments



**Sholeh Dolatabadi**

شهرام عزیز در مذمت بولیگری خود بولیگری کرده. مباحثی که در نوشته شهرام آمده مواردی است که باید در رابطه با آن به گفتگو نشست. امیدوارم مسئولانه به یکایک موارد اشاره شده بپردازیم.

Like · Reply · 6 · January 7 at 10:46pm



**Kavooos Soofi Siavosh**

خام شعله عزیز ممکنه اشاره مستقیم کنید که شهرام در کدام قسمت بولی گری کرده؟

Like · Reply · 1 · January 7 at 10:53pm



**Sholeh Dolatabadi**

امیدوار بودم این سوال را شما اول از شهرام می پرسیدید تا گفتگو در فضای شفافتری صورت بگیرد.

Like · Reply · 4 · January 7 at 10:58pm



**Kavooos Soofi Siavosh**

مطمنا اگر شهرام بولی گری در خودش میدید، حداقل آنرا در رسانه منظور نمیکرد. من فکر میکنم مناسب تر هستش که شما که متوجه شدید و به آن اشاره کردید ما را هم در جریان بگذارید

Like · Reply · 1 · January 7 at 11:04pm



**Sholeh Dolatabadi**

افاق صوفی من اعتقاد دارم اگر ابهامی در نوشته من وجود دارد این شهرام است که باید سوال کننده باشد.

Like · Reply · 1 · January 7 at 11:14pm



**Kavooos Soofi Siavosh**

اگر شما دوست دارید که با شهرام گفتگو دو نفره داشته باشید، هیچ مسئله‌ای نیست. من فقط دوست داشتم، بافته ای که شما پیدا کردید با ما هم به اشتراک بگذارید که از نگرش شما هم مستفیض بشیم

Like · Reply · 1 · January 7 at 11:21pm



### Sholeh Dolatabadi

شهرام يك بخش از نوشته اش را به بوليگري اختصاص داده و بدون ذكر مورد مشخص در مزار بوليگري و تاثيراتش نوشته. شايد شما از منظر او و هويت مخاطبينش آگاه باشيد من نيستم. به همين دليل در جواب شما كه از من خواسته ايد شما را در يافتن خط بوليگري در نوشته شهرام ياري كم خواستم كه بهتر است براي شفاف بودن فضاى گفتگو ابتدا از شهرام بپرسيد كه روى سخنش با كيست. اميدوارم اعضاى كنگره و كسانى كه در اين صفحه مشاركت دارند در فضاى دمكراتيك و به دور از تيغ سانسور و حذف نوشته هايشان بتوانند در حل مشكلاتى كه شهرام به بعضى از آنها اشاره کرده و به بعضى نه موثر باشند.

Like · Reply · 2 · January 7 at 11:38pm



### Kavos Soodi Siavosh

شهرام تعريف كلى از بولى گر ارائه داده كه اين تعريف منو بياد چند نفرى ميندازه من جمله مهدى شمس. همچنين تصويرى هم براى بيزن تداعى شده اما بيزن با آن مخالفه و من موافق. من در تعجبم كه بولى گري واضح مهدى چرا براى بيزن مبهم هستش. من فكر ميكم حتما خود مهدى هم به بولى گري خودش اذعان داره.

Like · Reply · 1 · January 7 at 11:51pm



Write a reply...



### Shahram Tabatabaei

بيزن جان، از توجهي كه به نوشته من نشان دادى متشكرم و از اين كه آن را نپسنديدى متاسفم. اميدوارم توجه داشته باشي كه آنچه از ديد تو كمبود نوشته من به حساب مي آيد تنها ديدگاههاى شخصى تو در برابر ديدگاههاى شخصى من است. نوشته من ديدگاههاى مرا نمايندگى مي كند و من مسلمان انتظار ندارم همه با آن موافق باشند. خيلى خوب مي شود اگر اين نوشته، ديگرانى - از جمله تو را - به سر شوق آورد كه آنان هم ديدگاههاى شخصى شان را مطرح كنند. يكى از مهم ترين پيامدهاى نوشتن اين مطلب - كه مطمئن بودم پيش خواهد آمد - روشن تر شدن مرزبندى ها و گروه بندى هاى بود (هست) كه مدت ها است در چارچوب كنگره شكل گرفته اند اما پشت پرده نگاه داشته شده اند. به نظرم همه از اين موضوع سوود ببرند كه معلوم شود در پس پرده چه كسانى هم تيم هستند اگرچه در جمع جز آن نشان مي دهند و ريشه بسيارى دشمنى ها از كجا آب مي خورد. خوشحالم كه از اين پس هر كس تكليف خودش را مي داند.

Like · Reply · 2 · January 8 at 12:11am



Souddeh Ghasemi Shahram Tabatabaei Jan thanks for your article . However there are some factual mistakes with this article, including your approach towards "Khomeini" case , which you were promoting and pressuring ICC board members including myself to take stand against that event. Also there is another mistake in explaining the initiation of the "I'm an IRANIAN Canadian too " campaign, Which was initiated by a group of ICC members you have missed to mentioned. Including Kavos Soodi Siavoshh, Medi Shams and Bijan Ahmadi . This campaign didn't start three years ago but it was stated in fall 2014, And officially launched in December 2014.

As the Vice President of this organization and as the only female board member who received the highest votes in the history of the ICC, I have to mention that all the credits of the positive activities of this organization goes mainly to all our volunteers who you mainly missed in your article . Which includes Over 40 volunteers in public relation, policy development committee and cultural committee. I am deeply thankful for all the time and effort these people put towards this organization for the past seven months, and this is the MAIN FACT that you have missed to mention in your article which is very disappointing and unfair.

Like · Reply · 8 · January 8 at 12:50am · Edited



### Niaz Salimi

دوستان من پیشنهاد میکنم به جای استفاده از لغت نا مانوس "بولیگری" از معادل فارسی "فلدري" استفاده کنید که نوشته هایمان برای کسانی هم که با این لغت آشنا نیستند مفهوم باشد.

Like · Reply · 8 · January 8 at 5:48am



### Babak Farzad

من هنوز هم هيچ معادل مناسبى پيدا نكرده ام. فلدري بيشتر يك صفت فاعلى است كه لزوماً مفعولى ندارد. اما بولى كردن درباره ي مفعول و قربانى است. مثلا در مدارس در اكثر اوقات يك دانش آموز قربانى بولى كردن ديگران مى شود. به عبارت ديگر در متون انگليسى توجه "بولى" به قربانى است. گاهى اوقات ازبينكه معادل فارسى نداريم خوشحال مى شوم به توهم اينكه در پس زمينه ي فرهنگى ايرانيان "بولى" كردن وجود ندارد.

Like · Reply · 2 · January 8 at 10:19am



### Arsalan Kahnemuvipour

نكته خوبى را مطرح كردى. من هم با تو موافقم كه فلدري به درستي مفهوم را نمى رساند. شايد زورگوئى كمى بهتر باشد. در زبان شناسى مدرن، استفاده از واژه هاى فرضى با پسوند هاى زبان اصلى مرسوم است و در معادل هاى داريوش آشورى به موارد اينچنينى بسيار برخورد مى كنيم. از اين جهت استفاده كردن از گري به عنوان پسوند بولى مشكللى ندارد. ولى نكته نياز هم درست است كه واژه بولى به عنوان يك واژه فرضى جا نيفتاده است. شايد لازم است تا جا افتادن واژه يك پانوشتى با توضيح اضافه شود.

Like · Reply · 5 · January 8 at 2:12pm

View more replies



Write a reply...



### Tayaz Fakhri

به عنوان كسى كه هم در زيركميته ي اساس نامه و هم در كميته روابط عمومى مشغول كار و كمك هستم فكر مى كنم هر دو جزو بهترين گروه هاى اجتماع ايرانى هستند كه تا به حال درشان كار كردم و هر دو براى من پرده برداشتند. **community** از ظرفيت بالاى بسيار خوشحالم كه شهرام از زيركميته و اهميت آن صحبت كرد ولى ناراحتم كه در سنجش عملكرد كنگره هيچ سخنى از ديگر كميته ها مثل كميته ي ما و كميته ي فرهنگى كه افتخار حضور در آن را نداشتند. نياورد. اگر تيزتر مقاله بررسى كارنامه ي كنگره نبود، مى شد گفت كه هيچ لزومى نداشت شهرام از گروههاى كه در آنها حضور ندارد سخن بگويد وظيفه هر كسى است كه از مقاله اى براى گروه خودش بنويسد.

ولی این تیتز ادعایی فراتر از مطرح می کند و به نظرم واضح است که در جایگاه بررسی عملکرد کنگره یک نقد منصفانه باید جامع باشد و این مطلب فعلی با وجو اشاره به موضوعهایی قابل تأمل، حق مطلب را برای کسانی که در کمیته های دیگر فعال هستند ادا نمی کند.

البته اگر بخواهم بدین باشم مثل مهدی شمس (که خودش نیست ولی اینجا و آنجا در ظاهر و خفا "فلدر" خطاب شده است!) شاید این ندیدن داوطلبها در چند ماه گذشته صرفاً یک اشتباه ساده و فراموشی چند نام در شب بلدا نیست و قضیه کمی فراتر از آن است! شاید اراده ای برای به رسمیت شناختن دیگرانی که در موفقیت های کنگره سهم داشتند نیست! چون اولاً با وجود کامنت بیزن و ساعتها بحث در بستهای قبلی باز هم این اشتباهات اصلاح و حتی اصلاً پذیرفته نمی شود، برعکس اشتباه شب بلدا که چندین بار معذرت خواهی شد! دوماً صرفاً با توضیح عجیب شهرام مواجه می شویم که می گوید این نظر من است و آن نظر توست! به عبارت دیگر، من در مقدمه از کل کنگره عامدانه سراغ بیش از 40 داوطلب در کمیته های مختلف نرفته ام و زحمت آنها را دانسته لحاظ نکرده ام تا کارنامه کل فعالیتهای کنگره مثل برگزاری همه برنامه هایی که نام برده شد را غیرمستقیم کارنامه مدیریت ارسلان نام ببرم و همان طور که خودش در جایی از متن می گوید "اعتبار آن را باید به حساب رئیس کنگره بگذاریم".

البته اگر خوش بین باشم هم باید بگویم شاید هدف شهرام همان طور که خودش گفت نقد کنگره بوده، بلکه می خواهد سکوت و سکوت را در کنگره بشکند و درصد جناح سازی برای انتخابات آینده است. به نظر من ارسلان عزیز کارش را با وقتی که گذاشته به خوبی انجام داده و احتیاجی به این دوبینگها ندارد. مردم می دانند که چه کسانی کار کردند و چه کسانی نه و از آنها که کار کردند چه در هیئت هیئت مدیره چه داوطلب از آنها راضی هستند. حتی اگر با تفکر آنها و دارودسته سیاسی آنها موافق نباشند. اختلافات در هر سازمانی طبیعی است و این نوع نگاه "دشمن-محور" که در زیر می گذارم با عرض احترام به شهرام عزیز، در نظر من نگاهی بالفاتحه به کار گروهی در مقیاس کنگره ایرانیان کانادا و طرفتهای آن نیست!

"یکی از مهم ترین پیامدهای نوشتن این مطلب - که مطمئن بودم پیش خواهد آمد - روشن تر شدن مرزبندیها و گروه بندیهایی بود (هست) که مدت هاست در چارچوب کنگره شکل گرفته اند اما پشت پرده نگاه داشته شده اند. به نظرم همه از این موضوع سوود ببرند که معلوم شود در پس پرده چه کسانی هم تیم هستند اگرچه در جمع جز آن نشان می دهند و ریشه بسیاری دشمنیها از کجا آب می خورد. خوشحالم که از این پس هرکس تکلیف خودش را می داند."

[Like](#) · [Reply](#) · [10](#) · [January 8 at 9:53am](#)



[Delshad Emami](#)

دوستان، اگر کسی علاقمند است بداند، من پس و پیش پرده، همیشه هم تیمی کسانی هستم که سیاست داخلی ایران را با مسایل مربوط به ایرانیان کانادا خلط نمیکنند. این را از روز اول گفته بودم، دست-تایب شهرام را هم دارم که با من همدل بود زمانی، برای همین گمانم اصلاً اینقدر بیجده نیست. مواضع سیاسی و اجتماعی همه ی ما روشن است. من لزومی نمی بینم که بازگشایی سفارت یا خدمات کنسولی را مشروط به موضوعی مطلقاً بی ربط به ایرانیان کانادا (مثل حقوق زنان در ایران) کنیم... گمانم دیدن این حقیقت که همین چند روز پیش دولت فعلی در مورد حقوق بشر و عربستان سیاست دوگانه ای اعمال کرد هم کار سختی نیست، طبعاً با گروهی هم کار میکنم که این طرز فکر من به مواضعشان نزدیکتر باشد(و نه الزاماً عینی یکی باشد!) کار سیاسی/اجتماعی یعنی همین طبعاً، و نمیدانم پرده ی ماجرا کجاش میشود دقیقاً.

[Like](#) · [Reply](#) · [8](#) · [January 8 at 11:02am](#) · [Edited](#)



[Delshad Emami](#)

منظورم نهائین این است که من، تو نو تکنیم. خوب نیست والله.

[Like](#) · [Reply](#) · [5](#) · [January 8 at 11:01am](#)



[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)

[Write a reply...](#)



[Delshad Emami](#)

کامونش جان، حقیقتن سوال به جا بعد از این همه کامنت بالا این است که این مطلب چه ابزادی ندارد. نمیدانم، خواندید کامنت ها را؟ چه عجیب که هنوز متوجه نشدید ابزادای مطلب کجاست. حالا مدال افتخار پیشرفت آی سی 2 را امروز ببندارید کردن نوشته های شهرام، من هم مخالفم. من هم مثل شما شاهد بودم و از قضا بستگی نزدیک هم به هیچ شخصی نداشتیم. شهرام خودش با همین نوشته ها اتفاقاً من یکی را که از خودش رانده تا به حال. من که عمیقن مخالفم با این اصرار شما برای بستن آی سی 2 به یک یا دو نفر خاص. اما ضرریش را من نخواهم کرد... اگر دقت کنید. یعنی امیدوارم همین نوشته های شهرام برای خط فکری او موافقتی در آینده به همراه بیاورند چون اینطور که پیداست این یک نوشته خاص که جز در شما و یکی دو نفر دیگر، تنها مخالف دوستان را برانگیخته باشد.

[Like](#) · [Reply](#) · [3](#) · [January 8 at 2:23pm](#) · [Edited](#)

Hide 12 Replies



**Kamnoosh Irani**

دلشاد عزیز، من هیچ صحبت مدال نکردم و نه صحبت یک یا دونفر در این کمپین. و در مورد بستگی من با افراد باید بگویم که خیلی متاسف هستم که تو من را یک انسان جدا نمی‌دونی و از کسی که دم از فمینیست میرانه برای من به عنوان یک عضو فعال حقی برای اظهار نظر قائل نیستی. به هر حال هنوز هم هیچ موردی نمی‌بینم که دوستان را اقتدر منقلب کرده

Like · Reply · 1 · January 8 at 3:22pm



**Delshad Emami**

کامنوش جان، اچ.اچ. من منظورم این بود که به سوده همان قدر اوایل نزدیک بودم که به شهرام. با شما همانقدر که به ارسلان. شما ولی خب دم خروس فمینیسم خودتان شاتالاب با این خوانشتان از کلمه ی "بستگی" برید بیرون.

Like · Reply · January 8 at 3:24pm



**Delshad Emami**

مورد را هم توجه دارم که نمی‌بینید. صرفا برایم جای حیرت دارد که چرا نمی‌بینید.

Like · Reply · January 8 at 3:25pm



**Kamnoosh Irani** pas bebakhshid man bad fahmidam azizam bavar miconam. injavab barayeh ghably bood.

Like · Reply · January 8 at 3:27pm · Edited



**Kamnoosh Irani** dar moredeh nadidan benazarm faghat noeh negaheh.

Like · Reply · January 8 at 3:28pm



**Kamnoosh Irani** Dear Delshad I still want to have conversation with you and learn from you. I have so much respect for you azizam

Like · Reply · 1 · January 8 at 3:34pm



**Delshad Emami**

بیخشید اگر من تند نوشتم کامنوش عزیزم. ولی حتی اگر من منظورم بستگی شما و ارسلان هم بود باز ربطی به فمینیسم نداشت. (اینطور بخوانیدش، شما رییس کنگره بودید و من به ارسلان عین این کامنت را نوشتم بودم، آیا او گمان میکرد جنسیتش را زیر سوال برده ام؟) من یک خرده فیسفته هستم. خلق تند مرا بیخشید. من هم برای شما احترام زیادی قایلیم و دوستان دارم. گمان میکنم احساسات مجروح دوستانمان نکته ی کوچکی نیست که از کنارش ساده بگذریم. همین. (ضمن اینکه به لحاظ سیاسی، شخصا خیال میکنم شهرام سرش به دیواری چیزی اصابت کرده، جدن میگم.. آدمی که من شناخته بودم طور دیگری فکر میکرد و در زمین دیگری توپ میزد، به قول ما جاهل ها)

Like · Reply · January 8 at 3:54pm · Edited



**Kamnoosh Irani**

توضیح بده دقیقا کجا ایراد داشته. روشنم کن.

Like · Reply · January 8 at 4:08pm



**Delshad Emami**

خب شهرام شخصا به من گفت که در مورد خمینی باید آی سی سی واکنش نشان بدهد. به آن جای و ماکارونی که با هم زدیم قسم. این که میگوید نظرش طور دیگری بوده تنها راه نقد به رفتار متضادش در زمینه ی عاشورا را میندود و این با اشتباه حافظه اش است که بد نیست عذر خواهی کنید و مطلبش را تصحیح کند، در زبانم لال خالی بسته که هیچی. بعد شهرام به نظر من انسان روشنی آمده بود که به جزئیات دقیق میشد و دست آورد های دیگران را خوار و کوچک نمی شمرد (خصوصا به نظرم آمده بود حساسیت ویژه ای به زنان و دست اوردهایشان دارد که نسبت به سوده یک متفالم هم این طور رفتار نکرده است) در مورد بحث بولی-گری هم همین بس که خودش رسمن با یک طور بولی گری نوشته را آغازیده است. شاهدش هم همین که کاووس هیچ خودش را در نوشته نیافت. بعد هم من با رفتار مهدی شمس خودم هزار تا مشکل داشتیم اما ای کاش فراموش نکنیم که شهرام برای انتقاد از مهدی یک عکس ایلود کرد و او را مسخره کرد و نوشت: لتز اولی مهدی شمس تاک. بعد هم گفت دوت شوت د مسنجر. خب این خودش از مدل نوشتن مهدی بدتر نباشد بهتر نیست به جان خودم. در مورد گرو کشی کنسولی هم که بحثش مفصل است طبعاً شهرام میتواند معتقد باشد که ما برای بازگشایی سفارت میتوانیم از ج.ا چیزهایی طلب کنیم که این خب... خیلی بحث مفصلی است. بعد یک بار دیدمتان توضیح میدهم. به هر حال کرامت انسانها را شهرام خود نفر اول زیر سوال میبرد. از من اگر برسید.

Like · Reply · 2 · January 8 at 4:20pm · Edited



**Kamnoosh Irani**

دلشاد عزیز بیخشید که اقتدر دیر شد. بالاخره به کمی هم باید کار میکردم امروز. هیچکدوم از مواردی را که گفتی ربطی به مقاله شهرام نداره. آن گفتگو که داشتید با شهرام چیزی نیست که ما با خوندن این مقاله به اون پی بریم. اینکه این گفتگو در کجا و چطور و کی گفته شده میتونه همه چیز رو عوض کنه. در مورد سوده هم باز ربطی به این مقاله نداره. کاووس هم که اگر اسمی ازش برده نشده به خاطر اینه که اسم هیچ کسی از داوطلبین برده نشده، و البته کاووس نقش کلیدی بسیار مهمی در آکسی۲ داشته. در مورد آقای شمس کاملا با شهرام موافق هستم و باز به شهرام که جرات کرده این را مطرح کنه. چند

تک نیستند به ما گفتند که اگر اظهار نظر نمیکنند برای این هست که می‌ترسند. اگر این **Let's** روز پیش که آقای شمس به ارسلان حمله میکرد ما چندین تماس داشتیم از دوستان که آن قدرها هم اهل قلدری نیست پس چیست؟ دمرورد عقاید شهرام، می‌تونی موافق باشی یا مخالف. نظر شخصی ش است.

به هر حال می‌دانم که تو عادت به جواب ندادن نداری پس اگر زنی یا شو بیا اینجا در میسپاساگا با هم قهوه بخوریم و صحبت کنیم.

Like · Reply · January 8 at 7:27pm



**Leili Noorian** Kamnoosh joon, I also felt I was suffocating when I was reading the "bullying" part in the article. It was very "خاله زنگی" and it's not at the level of someone who is involved with rewriting the constitution of an organization to write such a long, never ending part in an article that's addressing the results of the activities of a public organization.

Like · Reply · 2 · January 9 at 12:56pm



**Kamnoosh Irani** Leili jan, sorry for long delay. I believe that we need to address the problem, not ignore it. **Shahram** has been here for 30 years and writing. As a writer, he has exposed his opinions, therefore he is more subject to being bullied. The problem is much more widespread. I think you might need to hear about the details of cases of people who have been targeted in our community and have been sidelined. There have been volunteers like you whose lives have been ruined as a result of bullying. Do you think that is fair? If when each of these cases happened, the community came together to stop it, we would have been in a different place.

Like · Reply · January 9 at 7:28pm



Write a reply...



[Farah Taheri](#)

بیزن عزیز  
فکر می کنم سوءتفاهمی شده باشه چون در همان پاراگراف اول شهرام اشاره کرده که "در این نوشته دیدگاه‌های خودم را در این زمینه‌ها مطرح کرده‌ام" همچنین به حضور داوطلبان اشاره کرده است: "حجمی بزرگ از داوطلبانی است که - برای اولین بار در تاریخ کنگره - با پیش گذاشته‌اند تا به پیشبرد کارهای این نهاد کمک کنند."  
در این متن که بیش از 6000 کلمه است 32 بار از هیئت مدیره نام برده، یک بار به رئیس هیئت مدیره اشاره شده «در روابط درونی هم از شیوه تصمیم‌گیری‌ها و از صورت‌جلسه‌ها چنین برمی‌آید که سنتی که در آن رئیس تصمیم می‌گیرد و باقی مجری آن تصمیمات هستند شکسته شده و تک تک مدیران در تصمیم‌گیری‌ها شریک‌اند و در پی‌آمد آنها مسئولیت مشترک دارند. اعتبار این سنت‌شکنی را باید به حساب رئیس کنگره گذاشت که با پیشنه کردن میانه‌روی به‌عنوان شیوه کار، در بسته‌ای را بر جامعه ایرانی گشود» اگر شما خلاف این را اعتقاد دارید حتما با ذکر مورد بیان کنید تا شهرام و بقیه از اشتباه بیرون بیایند.  
طبیعی ست که او از کمیته اساسنامه که خود در آن فعال است بیشتر بداند و بنویسد کمالینکه فکر می‌کنم این تنها کمیته‌ای است که تا به حال با کمک همدیگر 9 صورت جلسه را در اختیار اعضا قرار داده اند. از بقیه کمیته‌ها چنین صورتجلساتی دیده نمی‌شود. و فکر می‌کنم این وظایف سایر کمیته‌هاست که از فعالیت‌هایشان کارنامه‌ای ارائه دهند.  
او به طور کلی به برنامه‌های دیگر هم اشاره کرده:«چند برنامه با ارزش فرهنگی، پی‌گیری مسئله ایمنی کارگران (به‌دنبال کشته شدن یک کارگر ایرانی پمپ بنزین در گلری)، جلسه معرفی و مناظره نامزدهای

، و بالاخره برنامه شب بلدا از دیگر فعالیت‌های این هیئت مدیره بود.»**Pub Night** انتخابات مجلس فدرال، برنامه‌های گردش در شهر، شب‌نشینی‌های دوستانه و ماهیانه در یک بار ( شما طوری از حضور داوطلبان صحبت می‌کنید و بی‌توجهی به حضور آنها، انگار شهرام با ارسال داوطلبانه کار نمی‌کنند و از این بابت حقوقی می‌گیرند.  
تا آنجا که من در هجده سال حضورم در جامعه‌ی ایرانی تورنتو شهرام و ارسالان را می‌شناسم، هر دوک آنها در کنار کارهای اصلی شان که تدریس در دانشگاه می‌باشد، همواره کار داوطلبانه داشته‌اند در حالی که باز تا آنجا که من می‌دانم این حضور در کار داوطلبانه نه برای درست کردن پروفایل برای ورود به دنیای سیاست کانادا، بلکه پیش بردن جامعه ایرانی کانادا بوده.  
از به کار بردن کلمه‌ی بولی ناراحت شده‌اید، ولی این حرف غلطی نیست. من چند بار در این صفحات درباره کنگره اظهارنظر کرده‌ام و هر بار برخوردهایی دیده‌ام که مصداق بولی‌گری بوده است. توجه کنید که شهرام می‌گوید: «تفاوت‌های عمده بولی‌ها، و منتقدان در این است که بولی‌ها هیچ‌گاه خود را مقید به ارائه سند و مدرک برای اثبات ادعاهای‌شان نمی‌دانند، ... در برخورد با افراد شیوه بازجویی را پیشه می‌کنند، تخریب شخصیت مهم‌ترین ابزارشان است و سوار شدن بر جو بی‌اعتمادی و فرهنگ پذیرش تورق توطئه مهم‌ترین استراتژی‌شان.»  
من اگر به عنوان یک شخص حقیقی اینجا چیزی بگویم بلافاصله از سوی تعدادی مورد بازجویی در مورد عملکرد نشریه‌ای قرار می‌گیرم که در آن کار می‌کنم. پس من هم ترجیح دادم که اینجا کمتر حضور پیدا کنم چون خواهان گفت وگو بودم نه مورد محاکمه قرار گرفتن.

[Like](#) · [Reply](#) · [5](#) · [January 8 at 3:07pm](#)



[Delshad Emami](#)

فرح جان کسی که خود از سند و مدرک داشتن برای اثبات ادعا مینویسد باید اول از همه، مستندات برای اشاراتش بیاورد. شما هم اگر در نشریه‌ی شهروند کار میکنید که با اسم مستعار مطلب چاپ میکنید و پشتش هم می‌ایستید و به آن نقدی هم ندارید، باید پیش از مورد سوال قرار دادن آیدی‌های بی‌نام و نشانی که اینجا کامنت میگذارند نگاهی به دفاعیات خودتان از آن مورد مذکور بیاندازید. این چیزها که دیگر اظهار من الشمس است، با این حساب شهرام خودش استاد بزرگ بولبگریست در این نوشته.

[Like](#) · [Reply](#) · [1](#) · [January 8 at 3:13pm](#)



[Farah Taheri](#)

شما سند دارید که من اطلاع دارم کسی با اسم مستعار مطلب نوشته؟  
بر فرض که از این امر آگاه بوده باشم، آیا سندی دارید که به آن نقدی نداشته باشم؟ توجه کنید که نقد لزوماً کنیی و در فضای فیس بوک همیشه نیست.

[Like](#) · [Reply](#) · [2](#) · [January 8 at 3:16pm](#)



[Delshad Emami](#)

(( والله خنده دار است من هم حوصله‌ی شکافتن قبر ندارم حقیقتن ولی مطلبی در شهروند چاپ شده، به عده‌ای تاخته است، بعد ملت برای شان جای حیرت بوده است که نویسنده اش از کجا سبز شد، آن وقت من باید سند بیاورم که شما مطلع بوده‌اید یا مطلع نبوده‌اید اسم نویسنده اش مستعار هست یا نیست؟ بعد من با این دوتا چشم خودم دیدم که شما به اسمهای مستعار فیسبوکی خرده گرفتید. مسئله داشتن استانداردهای دوگانه است. اگر نه ممکن است شما در دل به موجودات مریخی و سنگ اندازی‌شان در امورات آبی سی هم معتقد باشید. اتفاقاً بنده خودم هم گاهی فال قهوه میگیرم ببینم آی سی‌سی اخر عاقبتش چه میشود.

[Like](#) · [Reply](#) · [1](#) · [January 8 at 3:22pm](#)



[Farah Taheri](#)

خوشبختانه هیچگاه با کسانی که اهل فال قهوه باشند سر و کار نداشته‌ام که نحوه‌ی گفت وگو با آنها را بدانم.

[Like](#) · [Reply](#) · [1](#) · [January 8 at 3:32pm](#)



[Delshad Emami](#)

قصد جسارت نداشتم. **kiss emoticon** فرح جان حالا من یک بار یک قهوه برای شما درست میکنم با هم بنوشیم یک وقت دیدید آنقدرها هم بد نبود. لحن تند مرا هم ببخشید

[Like](#) · [Reply](#) · [3](#) · [January 8 at 3:58pm](#)



[Bijan Ahmadi](#)

فرح جان، قسمت دوم کامنت شهرام که در بالا در پاسخ به نوشته من پست کرده را بخوانید. فکر میکنم شهرام قصد و منظور خود را از نوشتن این ۶۰۰۰ لغت به خوبی در این کامنت و کامنت دیگری پایین تر مطرح کرده و نیازی به فرضیه برداری و نیت بینی نیست. ایراداتی که من نیز از این نوشته مطرح کردم دقیقاً به این دلیل بود که نوشته شهرام را یک طرفه میدانم و هدف اصلی آن را تیم کشی و نه ارائه گزارش هفت ماهه کنگره. مسلماً این نظر شخصی من است و امیدوارم توانسته باشم با احترام و بدون توهین نظر خود را مطرح کنم. دشمن و بولی‌خاطب کردن منتقدان را هرچقدر هم که با شکل انتقادات مشکل داشته باشم درست نمیدانم. دوباره تکرار میکنم این طور خطاب کردن منتقدان بخصوص برای من و شهرام که وظیفه رسمی در کنگره داریم بنظر من صحیح نیست. با تشکر.

[Like](#) · [Reply](#) · [2](#) · [January 9 at 3:00pm](#)



Write a reply...



[Arsalan Kahnemuyipour](#)

من از دیشب که این مطلب طولانی پست شد، دو بار آن را خواندم و هنوز متوجه نمی‌شوم چرا اینقدر حساسیت ایجاد کرده است. یک عضو فعال کنگره نقد هفت ماهه کنگره را از دیدگاه خودش نوشته است. بر خلاف نقدهای دیگر فقط به یک موضوع و جوانب منفی نپرداخته است و بخش آغازین آن موارد مثبت است. در همان پاراگراف اول به داوطلبین به عنوان یکی از مثبت‌ترین دستاوردها اشاره کرده است. به چند کار از هر یک از کمیته‌ها اشاره شده البته بدون ذکر نام کمیته. شاید تشخیص اینکه دقیقا چه کاری را چه کمیته‌ای انجام داده ساده نیست. به هر حال کمیته‌ها هم بخشی از کنگره هستند. فدرالی از کنگره فدرالی از آنهاست. طبیعی است که به خاطر تجربه زیاد شهرام در زیر کمیته باز نویسی اساس نامه، در مورد این کار حرف بیشتری برای زدن دارد. بعد هم به مواردی که از نظر او منفی است پرداخته است. مثل هر نقدی باید آن را خواند. به دقت در آن اندیشید و با آن یا بخشی از آن موافق یا مخالف بود. هیئت مدیره و اعضا باید از نقد استقبال کنند. به خصوص نقدی که وجوه مثبت و منفی را با هم دارد. به هر حال کشتی همچنان در حال حرکت است و ما هم در کشتی در کنار داوطلبین بسیار با تلاطم‌هایی به پیش می‌رویم. در این میان برخی از همسفران از مسیر یا از سرعت کشتی خرده می‌گیرند. جای نگرانی نیست. نگرانی باید متوجه کسانی باشد که از بیرون کشتی سنگ یا اگر امکانش باشد اشیا بزرگ تری تارت می‌کنند. امیوارم با ما هم سفر شوید.

Like · Reply · 5 · January 8 at 3:16pm



[Nilou Sh](#)

من هم چندین بار این مطلب خواندم و با ارسلان موافقم. من خیلی کنجکاو که بدانم کجای این مقاله بولی بودن شهرام را نشان میدهد. خیلی ممنون میشوم که از کلمات " خنده دار است ", " عجیب است که متوجه نشدید" استفاده نکنید. این کلمات نشان میدهد که از بالا به آدمها نگاه میکنید وشعور آنها را زیر سوال میبرید. هر کدام از ما از زوایای متفاوتی به این مطلب نگاه میکنیم که لزوماً برای دیگری روشن نیست. احساسات را کنار بگذارید و همین مطلب را نقد کنید.

Like · Reply · 2 · January 8 at 3:43pm



[Sholeh Dolatabadi](#)

منظور شهرام از بالا رفتن برده و روشن شدن تکلیف معلوم نیست که تهدید است یا روشنگری.

Like · Reply · 4 · January 8 at 6:03pm



[Mohamad Solymani](#)

آقای کهنمویی پرسیش شما موجه و منطقی است اما پاسختان به پرسیش خود ناموفق و توجه کننده نقاط ضعف تصویر کلی آن نوشته نیست. مضاف بر این توجه داشته باشید که جامعه صرفاً بر مبنای یک نوشته نویسنده آنرا مورد قضاوت قرار نمیدهد پیشک تجارب و واقعیت ملموس نقش تعیین کننده در خوانش یک متن ایفا میکند. بنده نیز نبویه خود در مورد کاستی های این نوشته مطلبی خواهم نوشت (البته اگر بروال همیشگی آقای تابع گنگگو در عرصه عمومی را وارد محدوده دعوای شخصی و خصوصی نکرده حول موضوع مورد بحث به صحبت نشیند).

Like · Reply · January 8 at 6:35pm



[Kavooos Soofi Siavosh](#)

ارسلان جان ، از یک نگاه دلیل ایجاد حساسیت "انتظار داشتن است". میشه برداشت کرد که بیژن با شناختی که از شهرام داشته انتظار داشت که از دیگر اشخاص فعال کنگره هم نامی بیاورد، که اینکار انجام نشده. از دید من هیچ ایرادی به نویسنده وارد نیست.به دلیل اینکه شهرام این متن را از طرف خودش نوشته نه از طرف کنگره.من فکر میکنم که اعتراض بیژن و دیگر دوستان وارد نیست.چون او اینجا حقیقت را گفته اما اسم چند نفر را بر رنگ نکرده.

اما در نگاه دیگر وقتی شهرام خود در کامنتش بیان میکند که " کی از مهم‌ترین پیامدهای نوشتن این مطلب – که مطمئن بودم پیش خواهد آمد – روشن‌تر شدن مرزبندی‌ها و گروه‌بندی‌هایی بود (هست) که مدت‌هاست در چارچوب کنگره شکل گرفته‌اند اما پشت پرده نگاه داشته شده‌اند. به نظر همه از این موضوع سوود ببرند که معلوم شود در پس پرده چه کسانی هم‌تیم هستند اگرچه در جمع جز آن نشان می‌دهند و ریشه بسیاری دشمنی‌ها از کجا آب می‌خورد. خوشحالم که از این پس هرکس تکلیف خودش را می‌داند" مقاله رنگ و بویی دیگر به خود میگیرد ،من به شما پیشنهاد میکنم که یکبار این مقاله را با فیلتر این کامنت بخوانید.

از دید خود شهرام، گروهی به دو رویی محکوم میشود و شهرام با انتشار این مقاله منتظر بوده که مرز بندی‌ها برگز تر شوند.شهرام صلاح دید که در این زمان شکاف عمیقی که در بین ۲ گروه بود را علنی کند.با این نگاه ،مقاله را میتوان تحریک کننده توصیف کرد. اگر چه یکی از نتایج این تحركات شفافیت است اما اینجا سوالاتی پیش میاید که چرا این شفافیت از اول نبوده.

جناحهای مختلف نشان از تعدد سلیقه‌ها و افکار مختلف است.اما با سابقه ای که از فرهنگ نزاع در ما وجود دارد.احتمال درگیر شدن جناحها و در نتیجه هرز رفتن انرژی و همچنین دل سرد شدن اعضا بسیار بالا است.

برای گذار از اینگونه بحران‌ها کمی تدبیر لازم است. یکی از وظایف نا نوشته ریاست کنگره عبور از این گونه بحران‌ها است.صد درصد فرا جناحی عمل کردن رئیس کنگره کمکی موثر خواهد بود که جناح‌های مختلف به عنوان بالهای پرواز کنگره در آیند

Like · Reply · 6 · January 8 at 8:08pm



[Arsalan Kahnemuyipour](#)

من در جواب فقط از شما کاووس عزیز دعوت می‌کنم که به عنوان ناظر به یکی از جلسات کنگره بیایید.

Like · Reply · 4 · January 8 at 8:17pm



[Kavooos Soofi Siavosh](#)

حتما ارسلان جان شرکت خواهم کرد. خیلی خوب میشد که در چند ماه باقیمانده برای پیشرفت سریع کارها جلسات هفتگی تشکیل میشد.

Like · Reply · 4 · January 8 at 9:04pm



[Taqhi Abdolhosseini](#)

کاوس جان خیلی ممنونم از این برخورد خوب. بر خلاف رفتار اخیرت که خیلی مایه نا امید بود ، فکر میکنم یا اش انقدر شور شده که (راستش بقیه ضرب المثل را بخوبی بیاد ندارم ، که اکثر هم فهمیده ، باشد) ، البته قصد اهانت ندارم. با اینکه خوشبینانه گنگگو ها دارد بهار مینشیند . بخصوص یادداشت زیر شهرام بخوبی نگاه افاده وار و از بالای او را بنمایش میگذارد . من بخوبی این یادداشتها و مقاله شهرام را مرور کردم ، و باین نتیجه رسیدم که دوستان بخوبی روی نقاط نادرست مقاله و همچنین شخص او انگشت گذاشته اند ، و او با افاده و بقول خودش بوکیگری همه را بی پاسخ میگذارد . من همچنان منتظرم ببینم ارسلان دست اخر چه نتیجه ای میگیرد ، چون مضعگیری قبلیش که نشان میداد که خیلی با واقعیتی که اینهمه از دوستان بان اشاره میکنند فاصله دارد . فکر میکنم یادداشت زیر او آخرین میخ تابوتش باشد که ارسلان را هم متوجه موضوع بکند .

Like · Reply · January 9 at 12:48pm · Edited



Write a reply...



[Shahram Tabe](#)

تاباز گرامی (و کاووس گرامی)،

"منظور داشتنی" و "پی‌آمد" داشتنن دو مفهوم متفاوت و مستقل هستند. ممکن است دانش‌آموزی "منظور"ش این باشد که در کافه‌تریای مدرسه بنشیند و نهارش را بخورد، اما آن صندلی متعلق به یک بولی باشد که "پی‌آمدش" کتک خوردن از آن بولی باشد."منظور" من از نوشتن این مطلب دو چیز بود: یکی برآورد کارنامه کنگره از دیدگاه خودم، و دیگری نقد بولی‌گری که به اعتقاد من یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده جامعه ایرانی است. اما این را هم می‌دانستم که "پی‌آمد" نوشتن چنین مطلبی حملات سنگینی خواهد بود که در کوتاه‌مدت فشار روحی بزرگی برآیم خواهد داشت. مثل وقتی که اسپیرین می‌خورى تا سردردت خوب شود اما از پیش انتظارش را داری که معده‌ات درد بگیرد. این را هم به تجربه دیده‌ام که در دراز مدت این تخریب شخصیت مانند بومرنگ بازخواهد گشت و به پرتاب‌کنندگانش آسیب خواهد رساند. این است که وقتی در کامنت پهنش صحبت از روشن‌تر شدن مرزبندی‌ها کردم به این معنا بود که از پیش به پی‌آمد برملا کردن بولی‌گری آگاه بودم و می‌دانستم گروهی که تصویرشان را در این نقد خواهند دید به تلاطم خواهد انداخت.

بعد از سی سال نوشتن این را یاد گرفته‌ام که نباید انتظار داشته باشم همه از نوشته‌های من خوششان بیاید. همیشه کسانی هستند که با نظرات من موافقت و دیگریا مخالف و بخش سومى بی‌تفاوت. اما کمتر پیش آمده که کسانی به‌دلیل این‌که با نظر من موافق نبوده‌اند از زبان سخیفی مثل آنچه در برخی کامنت‌های بالا بکار رفته استفاده کنند. واقعیت این است که مشکل این خانم‌ها و آقایان این نیست که من از داوطلبین کنگره اسم نبرده‌ام (که برده‌ام) یا تک تک کارهای مثبت کنگره را نشمرده‌ام (که شمرده‌ام، گیرم از یکی فقط اسم برده‌ام و دیگری را بیشتر شکافه‌ام) یا از رئیس کنگره زیادی تعریف کرده‌ام (که تنها یک بار از میانه‌روک‌اش تقدیر کرده‌ام). مشکل این‌جاست که من مطلبی نوشتم و به موضوع بولی‌گری و تخریبی که در جامعه انجام می‌دهد پرداختم، اما بی آنکه از کسی اسم ببرم خانم‌ها و آقایانی که می‌بایست، نام خودشان را در لابلای مطلب دیدند. وگرنه اگر موضوع در حد دلخوری از این‌که چرا از این اسم برده‌ام و از آن نبرده‌ام بود احتیاجی به استفاده از چنین زبان بی‌بند و باری نبود.

با این‌حال من نگران تاثیر درازمدت این برخورد‌ها نیستم. خواننده‌های مطلب من به این پنج شش نفر محدود نیستند. حتا خوانندگان این صفحه و این کامنت هم به کسانی که در بالا کامنت‌های زشت و زیبا گذاشته‌اند محدود نمی‌شود. چند صد نفر در سکوت، همه آنچه من و دیگران در این‌جا می‌نویسیم را می‌خوانند. بعد، باز به سراغ مطلب من خواهند رفت و در آن به‌دنبال علتی که این خانم‌ها و آقایان را این‌چنین عصبانی کرده خواهند گشت و خواهند دید که به هیچ شکل نمی‌توانند آنچه من در آن مطلب به‌شکل کلی مطرح کرده‌ام را به این حملات عصبی و بی‌پروا ربط دهند. حنا اتانی که در آغاز با کامنت‌های اولیه همراهی می‌کردند وقتی به کامنت‌های تند و سخیف بعدی می‌رسند نظرشان عوض خواهد شد. آنچه این خانم‌ها و آقایان در نوشته من زشت می‌نمایانند در برابر آنچه در مقابل بر من باریده‌اند کاهی است در برابر کوهی.

و صحبتی هم با تو دارم تاباز. حتما به‌خاطر داری که آشنایی اولیه من و تو نه به‌دلیل هم‌فکریمان، بلکه درست برعکس، به دلیل اختلاف فکری‌مان بود. بعدتر هم که از تو برای بازبینی اساننامه دعوت کردم باز نه برای این بود که کسی را داشته باشم که در بحث‌ها طرف مرا بگیرد، بلکه برعکس، به این دلیل بود که این ناهمفکرکی‌ها جلش‌ی ایجاد کند که در نهایت به تولید اساننامه‌ای استوار و قابل اعتنا منجر شود. امروز بیشتر از روز اول به درستی این تصمیم اعتقاد دارم چون استقلال فکری تو را به‌تجربه دیده‌ام. حیف است اگر این استقلال فکری را فدای نزدیکی فکری با این و آن کنی. بولی‌هایی که کاوه شهروز و دیوید موسوی را با انگ مجاهد بودن خانه‌نشین کردند و امروز بر من می‌تازند که چرا از آن‌ها برای شرکت در زیرکمیته دعوت کرده‌ام را بشناس و بین پشتیبان چه کسانی هستند. آن‌گاه خواهی فهمید تعریف کردن و نکردن من از حضور داوطلبین بهانه‌ای بیش نیست و اینشخور این هجوم جای دیگری است. بین واقعا دوست داری با آنان را د یک صف باشی؟

Like · Reply · 4 · January 9 at 1:59am



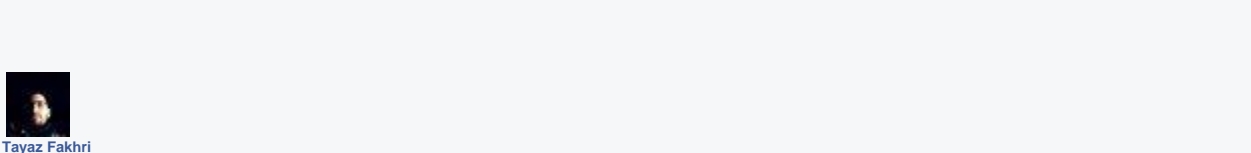
**Kavous Soofi Siavosh**

شهرام جان من هیچ مشکلی خاصی با مقاله ات ندارم و آماده بودم که از آزادی بیان شما دفاع کنم.حتا بخش بولی گری برای من نکات جالبی داشت که چگونه بولپرگ و منتقد را از هم جدا کردی(تاباز جان کمی برداشتمون از مساله متفاوت است که در فرصت مناسب در باره اش صحبت میکنیم) اگر چه قابل بحث است و من ترجیح میدم که بحث را در این پست ادامه دم و در جای دیگر در این مورد بحث کنیم. اما نکته اینجاست که کامنت شما مقاله را تحت شعاع قرار داده. همانطور قبلاان هم اشاره کردم بهترین قسمت این برخورد به وجود آماده، رونمای از مرز بندی و جناح‌های موجود است. ایرداتی که از صحبت‌های گرفته شده اگر چه صورت یک حمله تند بوده اما واقعیتی در بر دارد که شاید برای انسان توانمندی مانند تو آموزنده هم باشد.بر واضح است افرادی که کنگره و ماهیت آنرا بوج میندازند خود را اینجا وارد کرده و از آب گل الود ماهی بگیرند.فعالیت‌های تو برای سامان دهی کنگره بر کسی پوشیده نیست و مطمئتم برخورد اخیر با تمیز دادن مرز بندی‌ها گامی مثبت برای ارتقا کنگره خواهد بود.

Like · Reply · 2 · January 9 at 2:20pm



Write a reply...



شهرام جان،

ممیون ام که من را مورد محبت خود قرار دادی.

اگر من و کاووس در موضعی مشابه به مطلب و کامنت تو خرده گرفته ایم، نه برای اینکه با کسی جناح بندی کنیم یا از کس خاصی در مقابل دیگری دفاع کنیم. این را از کامنت ما می شود فهمید هم این که من هم از تو هم از ارسلاان تمجید تشکر مستقیم کرده ام.

اما بار دیگر کامنت ما را بخوان برای لحظه ای به آن فحشها توجه نکن. زیرا که مخاطب عاقل و ساکت هم، همان طور که خودت به خوبی اشاره کردی به آن فحشها اهمیت نمی دهد.

فکر کنم چیزی که در متن. من و کاووس مشترک بود به زبان ساده این بود: لحن و واژه هایی که انتخاب کرده ای در مقابل بولی گری نه تنها نتیجه ای برای رو کردن دست بولی گرها نمی دهد بلکه خود نهاجمعی، و غیر الزامی است. ما انتظاری از تو داریم در حد خودت که انتظاری بالاست. ما اعتقاد داریم که نوشته ی تو که از بولی گری می نویسی باید عاری از ادبیات. از بالا، تحقیرآمیز و حتی عاری از کوچک ترین شبهه ای در این راستا باشد تا از "ششمن. فرضی" سخن بگوید! یا افراد سوم شخص و مجهول الهویی به اسم بولی گر را بگوید! مگر اینجا کسی موافق روش و ذات بولی گری است یا توان دفاع از آن را دارد؟

زدن به هر شکل من جمله استفاده گنگ و نامشخص از واژه ای چون "بولی گر" برای یکدست کردن تمام انتقادات، عادت بدی است که در نهایت گریبان همه را خواهد گرفت و labelولی "دیگری سازی" و مخالف همان خط فراگیری است که از آن صحبت کرده ای. آیا این نوع بحث. کلی و بدون مصداق همان چیزی نیست که خودت در مقاله ات به آن اشاره کرده ای؟! آیا این منطق بر ارزشهای جامعه ی مدرن مثل گفتگو و شفافیت و دموکراسی است؟

(. این را من از خود ارسلاان نقد کردم و می دانم تو هم به آن معتقدی. اما این نظر من و کاووس بود که **consensus building** تا به قول ارسلاان در راستای وفاق سازی جامعه ی ایرانی باشد ) ادبیات تو خصوصاً در کامنت و نحوه نگاه ات به کارنامه ی کنگره سوء تفاهم ایجاد کرده و می کند. از دید همان مخاطبِ بی طرف!

شاید به نظر تو حرف من نادرست یا نامربوط است ولی در زیر این پست ترجیح می دهم بیشتر از این مخالفت ام را در فیس بوک ادامه ندهم و با خودت مستقیم و رودرو و با ایمیل گپی بزнім. حقیقتاً من بلد

و جناح بندی ها و فضای غیرمستقیم اشاره کردن زندگی کنم و این برآیم آزرانده است که تو به من یا دیگری هشدار می دهی که اسیر دست و بازی دیگریا شده ام و **partisan**نیستم که در بازی های کل حرف من را تقلیل می دهی به این که با دیگران در یک "صف" قرار گرفته ام! کدام صف؟! با چه کسانی؟ چه طوره؟ آیا می توانی درک کنی که این حرف تو کمی برای من ناامید کننده است زیرا شعور من را به شکلی زیر سؤال می برد؟ و بی آمدش این خواهد بود که انتقادمن به عنوان یک دوست را که نقدی صالحانه دارم سرکوب می کند و صدای همان بولی گر را بلندتر؟

شهرام جان، احترام من به تو با این انتقادهایی که به تو کردم کم نشده است. لحظه ای فکر نکن این گونه است. برعکس به نظرم تو هم مثل بسیاری از ناظران مستقلی هستی که بر سر اصول ات می جنگی.

اما از طرفی هم می توانم مثالهای زیادی بزیم از این مدت که با هم کار کرده ایم که بهشنان نقد دارم و با جاهایی از متن که به نظرم چیز مهمی را در نظر نگرفتی، شاید هم من اشتباه می کنم و این گزینه بسیار محتمل است! ولی برای اینکه به دنبال شهرت و لایک و ... جریان سازی و پارگریک نیستم و نمی خواهم دوباره متهم به صف بندی شوم، ترجیح می دهم بحث را بعد از این ناخوت ادامه بدهم و مثالها را سر فرصت برایت ایمیل خواهم کرد.

با عرض احترام!

Like · Reply · 8 · January 9 at 7:26am · Edited



**Sholeh Dolatabadi Niaz Salimi**,*Arsalan Kahnemuyipour*

با تشکر در سعی شما برای یافتن معادلی درست برای فعل بولیگری و فاعل بولیگر. اما آنچه از نوشتار نگارنده مقاله پیداست

!!بولیگری یعنی انتقاد و بولیگر یعنی منتقد. بد هم نیست با ادبیات یکدیگر آشنا می شویم. اینهم یکی از محاسن افتادن پرده است

Like · Reply · 4 · January 9 at 9:25am · Edited



[Kavooos Soofi Siavosh](#)

Like · Reply · 1 · January 9 at 3:32pm



[Kamnoosh Irani Merci](#)

Like · Reply · 1 · January 9 at 7:21pm · Edited



[Mehrdokht Hadi](#) i agree with [Kavooos Soofi Siavosh](#)

Like · Reply · 2 · January 10 at 5:41pm



Write a reply...



[Mohamad Solymani](#)

در حقیقت امر ، ساختار رفتاری آقای تابع بر بنیاد بولیگری عمل میکند او که متوجه از نقش افرینی خود در کامیونیتی است هیچ نگاه و سخن نقدی را بر نمیآید و میکوشد از موضع بالا بر خود کرده منتقد ضعیف را نابود کند اگر هم سینه طرف بر زور بود و مرعوب ایشان نشد از طریق رسانه های نزدیک به خود از حربه مستعمل شده برجسب بهره میکبرد . او که میکوشد خود را مابین جب و راست افراطی و در قامت يك فعال بیطرف و منطقی جلوه دهد . نقد خود را به برجسب بولیگری مریز میکند و میکوشد تا راه بر هر تفسیری ببندد. میکوبد بولیگرها به کاوه شهروز میکوبند مجاهد، من تا به حال نشنیدم کسی کاوه شهروز را مجاهد خطاب کند منتقدین او را انسانی بی برنسب میدانند که برای آخر رای مجاهدین به آنها نزدیک و در مرحله ای با آنها وارد همکاری در حوزه کامیونیتی شد. حال امر شهرام تابع و یا کاوه شهروز ادعا میکنند این سخن به این دلیل که خلاف واقع است بنابر این مصداق بولیگری است ابتدا به ساکن باید خلاف این ادعا را ثابت کنند نه آنکه با جار و جنجال در رسانه های خودی بکطرفه نزد قاضی روند. از این روی امادگی خود را برای بحث درباره نقش مخرب شهروز و تیم او که به حضور بر رنک شهرام تابع در کنکره انجامید با فاکت و سند اعلام میکنم اگر آقای تابع محمدی در چنین جلسه گفت و گو شرکت نکند و از بحث تن زند باید قبول کرد که شخص ایشان یکی از بولیگران کبیر این کامیونیتی است.

Like · Reply · 4 · January 9 at 11:26am



[Medi Shams](#)

چگونه میتوانیم به پنج (شاید هم بیشتر) اعضای جدید هیئت مدیره آینده این پام را بدهیم که باید کار کرد. که انتخابات قرار داد دو طرفه ایست که اعضا در مقابل رای خود، کار، کارانی، دلسوزی، صداقت..... میخوانند. شکستن قرار داد از طرف اعضا هیئت مدیره باید این حق را به اعضا بدهد که رای خود را از آنها پس بگیرند.

شهرام عزیز، در مقاله کذائی 6108 کلمه ای خود، در دوجا (3305) (5964) از سه تن از اعضای هیئت مدیره که دوره دوساله شان به پایان میرسد، بعد از قردرانی از فعالیت هایشان، دعوت میکند که در انتخابات سال آینده شرکت کنند. چه خوب بود که این سه نفر به این دو سؤال جواب میدادند:  
1- چه کار نیمه تمامی در دست دارید که میخواهید در سال آینده به پایان برسانید؟  
2- چه اهدافی در سر داشتید که نتوانستید در این دوسال به اجرا در بیاورید؟

**همدیگر را بهتر بشناسیم**

آیا دلسوزی شهرام تا آن حد غیبتند که خود را کاندیدای انتخابات سال ۲۰۱۶ کند؟

**در رابطه با غیبت ها و عدم فعالیت فرهنگ فرید**



شهرام از او تقصیر و دعوت به غیبت در انتخابات آینده میکنند



مهدی همواره به برخورد با آن و قناری گیری او میکنند



آیا این سندی بر صداقت، شفافیت، دلسوزی، تخریب، سازندگی، زورگوئی، مسالمت، محافظه کاری، جانبداری، استفاده ابزاری، تخریب شخصیت، تعلق، حقیقت گوئی، کارائی، جواب خواهی، جناح بندی، ..... هر دوی آنها نیست؟

**دوست کیست؟ دشمن کدام؟**

Like · Reply · January 12 at 11:11am



[Medi Shams](#)

سال گذشته زمانی که در رابطه با کاندیداهای لیست خودمان گفتگو میکردیم، تعدادی از ما با کاندیدانوری میترا صفاری به علت اینکه شناختی از او نداشته بودیم و در رابطه با کنگره فعال نبوده است، مخالفت میکردیم. بعد از بحث های طولانی با ارسلان و شهرام با آنها شرط کردم که اگر شهرام در انتخابات شرکت نکند، من خودم را کاندیدا خواهم کرد. بقیه داستان را که میدانیم. شهرام موافقت میکند ولی با نه دقیقه تأخیر عمدی و یا سهوی به وعده گاه میرسد.  
وقتی مقاله کذائی و طولی شهرام را با صبری طولانی و عزمی مصمم، خواندم دلم سوخت که چگونه داریم سرمایه های کامیونیتی را از دست میدهم. تا به حال بعد از اینکه افراد به عضویت هیئت مدیره در میامند و ماهیبت درونی خود را آشکار میکنند به انزوا کشیده میشوند. به نظر میاید که شهرام میخواهد یکی از آن اولین کسانی باشد که قبل از آنکه پایش به هیئت مدیره برسد به سرزوشن آنها مبتلا گردد. در این مرحله من شخص وظیفه خود میدانم، بدون آنکه ذره ای از اصول خودم فاصله بگیرم، مانند سال قبل تمام سعی خودم را بکنم که امسال شهرام در انتخابات شرکت کرده و به عضویت هیئت مدیره در آید. البته امسال جلوی قطار خواهیم نشست که بی شهرام نرود.  
برای درک آنچه که میگویم و انجام میدهم، نمایشنامه های شکسپیر و آرتو میتوانند کمک کنند.

Like · Reply · 1 · January 12 at 12:41pm · Edited



[Kamnoosh Irani](#) Merci az shoma

[Like](#) [Reply](#) · January 12 at 11:50am